

فصل نامه پژوهش های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره دوم (پیاپی ۲۶)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۸- ۷۱

بررسی تاریخی سیاست های اقتصادی- دینی رسول خدا(ص) در مدینه

عبدالرفیع رحیمی * - علی غلامی فیروزجائی **

چکیده

رسول خدا(ص) در مدینه در زمینه های اقتصادی- دینی، سیاست های کلانی در جهت اعتلای تجارت اسلامی، توسعه اقتصادی و همچنین، بازسازی بازار اتخاذ کرد. با اقدامات اصلاحی و بنیادی، امور تجاری- بازرگانی در درازمدت از انحصار یهودیان خارج شد و با تشویق مسلمانان به تجارت داخلی و خارجی، دریافت مالیات از بازار مسلمانان ممنوع شد. همچنین تجار به منزله مجاهدان راه خدا تلقی شدند و تجارت داخلی و خارجی بر پایه قوانین اسلام نیز در بین قبایل و کشورهای همجوار گسترش یافت. همچنین، با تداوم این سیاست ها و اهتمام ویژه پیامبر(ص) در تدوین برنامه ای منطقی و عملی، احتکار، رباخواری و خرید و فروش برخی کالاها (شراب) نهی شد و غش در معاملات حرام اعلام گردید که مجموعه این عوامل باعث شد نظم و انضباط خاصی بر بازار مسلمانان حاکم شود. این مطالب، انگیزه ای برای بررسی سیاست های اقتصادی و تجاری رسول الله(ص) در مدینه در این مقاله شد.

واژه های کلیدی

رسول خدا، سیاست های اقتصادی- دینی، مدینه، بازار، یهودیان

* استادیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین، ایران aghabeigom@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، ایران gh.firozjaii@yahoo.com

مقدمه

اسلام همواره آیینی تمدن‌ساز، با برنامه‌هایی برای جامعه و شهرنشینی بوده است؛ لذا بررسی کارکرد بازار و اهمیت آن در عصر پیامبر (ص) و برنامه‌ها و سیاست‌های عملی ایشان در راستای حمایت از تجارت صحیح، عادلانه و موفق، از جایگاه مهمی در تاریخ اسلام و مسلمانان برخوردار است. با عنایت به پیشینه وجود بازار در عصر جاهلی؛ اعم از بازارهای موسمی، هفتگی و دائمی و نقش یهودیان مدینه در تسخیر فضای تجاری این شهر، این مقاله درصدد است تا به سیاست‌های اقتصادی-تجاری و دینی رسول خدا(ص) در تأسیس بازار، و تجدید حیات و اهمیت آن در مدینه بپردازد.

آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، ابتکارات، راهکارها و اقدامات عملی پیامبر (ص) در مواجهه با آزادی عمل مسلمانان در بهبودی اوضاع و بالا بردن سطح رفاه آنان با اتخاذ سیاستی، چون معاف از مالیات بازار بوده است. با توجه به آنکه در مدینه، یهودیان نبض بازار، اقتصاد و گردش پول و کالا را در اختیار داشتند، پیامبر (ص) با تمهیدات لازم و ظرفیت‌های ویژه، ابتکار عمل را از آنها گرفت و به بازار اسلام تنوع، تخصص و امنیت بخشید. این مقاله بر آن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

حضور پیامبر(ص) و ترویج احکام اسلام و سیاست‌های اقتصادی - دینی ایشان چه تأثیری بر توسعه اقتصاد و گسترش تجارت مدینه داشته است؟ نگاه اقتصادی رسول خدا(ص) در تأسیس بازار چگونه بود؟ بازارهای مدینه در عصر رسول خدا(ص) چگونه توسعه یافتند؟

در راستای موضوع این مقاله، برخی مطالب به شکل پراکنده در منابع دست اول مانند کتب سیره، مغازی، طبقات و تاریخ‌های عمومی، همچون: کتاب المعالم الاثریه فی السنه و السیره از محمد حسن شراب موجود است. در سالهای اخیر هم برخی مقالات مرتبط مانند مقاله «یهود مدینه: موقعیت اقتصادی و تحولات آن در عصر نبوی» از

سید احمد رضا خضری و مقاله «سیاست‌های اداری و مالی پیامبر(ص) در مدینه و زمینه‌های شکل‌گیری بیت‌المال» از دکتر فریناز هوشیار نوشته شده است. در این مقاله تلاش بر آن است که ابعاد گوناگون تجارت و بازارهای مدنی عصر نبوی و اقدامات اقتصادی- دینی رسول خدا در مدینه در چارچوبی مشخص و مستقل بررسی شود.

بازار در لغت و اصطلاح

واژه بازار در زبان فارسی میانه، وازار (wazar) و با ترکیب‌هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان)، وازارگانیه (بازرگانی) و وازاربد (رئیس بازار) و در زبان سغدی مانوی به معنای واکاران آمده است (Floor 1987: 2/25)؛ اما واژه بازار در زبان عربی به معنی سوق (جمع آن اسواق) آمده (قرشی، ۱۳۶۷: ۳/۳۵۵؛ مصطفوی، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۵) و مکانی است که در آن افراد زیادی جمع شده، به خرید و فروش و داد و ستد اموال تجاری می‌پردازند. «از نظر اقتصادی، بازار به شرایطی گفته می‌شود که برای یک کالا و یا عامل تولیدی، تقاضا و عرضه وجود داشته باشد و کالا یا عامل خاص در یک قیمت متناسب با عرضه و تقاضا مبادله شود. بنابراین، به طور کلی هنگامی که برای یک کالا و یا یک نهاد تولید، تابع عرضه و تقاضا وجود داشته باشد و مقدار مبادله شده کالا و یا عامل تولید و قیمت مبادلاتی آن توسط توابع عرضه و تقاضا مشخص شود، از نظر تئوری اقتصادی یک بازار وجود دارد» (طیبیان، ۱۳۶۳: ۸۹).

مدینه و تحولات تجاری- اقتصادی بازار در عصر رسول الله (ص):

جغرافیای تاریخی - اقتصادی مدینه

«مدینه شهری در شمال مکه و در نود فرسنگی آن واقع

کشاورزی به همراه فعالیت های تجاری برخوردار بوده و از این نظر بر مکه برتری و امتیاز داشته است.

بازار مدینه و کارکرد آن در عصر جاهلیت

مدینه از روزگاران قدیم همیشه در مبادلات بازرگانی میان دو امپراتوری (ایران و روم) نقش میانجی داشته (ر.ک: کراچکوفسکی، ۱۳۷۹/۲۷) و مردم آن نیز به دلیل کشاورزی، استقرار در یک مکان و قرار گرفتن این شهر بر سر راه تجاری شمال و جنوب در کار تجارت تجربیات مورد نیاز را دارا بوده، به انواع فعالیت های اقتصادی- تجاری می پرداختند (حتی، ۱۹۶۵: ۱/۱۴۶).

از جمله بازارهای تجاری مدینه در عصر جاهلیت، بازار حباشه^۱ (مشترک بین حجاز و یمن) بود که سالیانه در تهامه و زیر نظر یهودیان بنی قینقاع دایر می شد؛ ولی از بازارهای بزرگ نبوده و در درجه دوم اهمیت قرار داشت (افغانی، ۱۴۱۳: ۲۵۸-۲۵۹). شایان ذکر است که این همان بازاری بود که پیامبر قبل از بعثت از طرف حضرت خدیجه (س)^۲ برای تجارت بدانجا فرستاده شد (حسن شراب، ۱۴۱۱: ۹۶).

بازارهای دیگری هم در دوره جاهلیت در مدینه وجود داشت که در صدر اسلام نیز دایر می شد؛ به طوری که در تاریخ مدینه آمده است: «در دوره جاهلیت، بازاری در زباله که بخشی از ناحیه یثرب بود و بازار جسر در بنی قینقاع و بازاری هم در مکان زقاق بن جبین برپا می شد که بدان مزاحم می گفتند و بازاری هم در کنار بقیع الخیل بود که حیوانات و مواد غذایی در آن به فروش می رسید» (ابن شهبه، ۱۴۱۰: ۱/۳۰۵). بازارهای مدینه در شهرها، قرا و آبادی ها برپا می شد و فروشندگان و تاجران، کالاهای خود را یا بر زمین یا بر سکوهای از پیش ساخته شده (دگه) و یا بر بساطی گسترده می چیدند. پیشه‌وران و اصنافی مانند تمار (خرما

است که قبل از اسلام، نامش «یثرب» و پس از هجرت، «مدینه الرسول» نامیده شد؛ بعدها برای تخفیف، آخر آن را حذف کرده و «مدینه» گفتند» (بکری، ۱۹۹۲: ۱/۴۰۷؛ حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ۵/۸۲؛ ابن الحسین، ۱۴۰۸: ۲۹). محمد بن یحیی به نقل از عبد العزیز بن عمران، نقل کرده که پیامبر فرمودند: «مدینه ده اسم دارد: مدینه، طیه، طابه، مسکینه، جبار، محبوره، یندد و یثرب» (حسن شراب، ۱۴۱۱: ۲۲۴). در این شهر و اطراف آن باغ ها، نخلستان ها و زمین هایی آماده و حاصلخیز برای غرس اشجار و کشت و زرع وجود داشت (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۱) که در قرآن نیز به نخل خرما، باغ های انگور، زیتون، انار، زراعت های مختلف و درختانی آزاد در حجاز و مدینه اشاره شده است (سوره انعام/ ۹۹ و ۱۴۱).

اصولاً در مطالعات تاریخ اقتصادی مدینه صدر اسلام این نکته شایان توجه است که محیط مدینه از نظر اقتصادی نسبت به مکه متفاوت بود؛ زیرا مردم مکه بر خلاف ساکنان مدینه به علت نداشتن زمین های مناسب و حاصلخیز، به تجارت و بازرگانی متمایل شدند و در این امر نیز قدرت و مکنت بسیاری به دست آوردند. مدینه بارو و حصاری نداشت و منطقه ای بیابانی و کوهستانی بود که در زمین هموار و مسطح میان دو کوه احد و غیر قرار داشت (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۱) و از روستاها و قبایلی از یهود و عرب، همچون: بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع، قیس بن عیلان، جهینه، کنانه و غیره تشکیل شده بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱/۶۵۶) و گرچه در آن به لحاظ اقتصادی، گردش کالای تجاری وجود داشته؛ اما امور بازرگانی و تجارت بیشتر در اختیار یهودیان و اقتصاد این شهر نیز بر پایه کشت و زرع و نخلستان هایی بوده که در نواحی مختلف آن وجود داشته است (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۵۱). بنابراین، مدینه در قیاس با مکه از توان اقتصادی درونی زراعی و

فروش)، نجار، بزاز، سلاخ و جزار (قصاب) در کنار هم جمع بودند و به نام خود راسته یا بازاری مخصوص داشتند؛ مثلاً به بازار شتر، گاو و گوسفند «مربد»^۲ گفته می‌شد (میرسلیم، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۵۱). همچنین، در عربستان جنوبی که یکی از راه‌های تجاری بود، کشتی‌های هند، بار خود را به بندر عمان و یا یکی از بندرهای دیگر می‌داده‌اند و مکاری‌های^۳ عرب آن را به موازات ساحل جنوبی به یمن و از آنجا به موازات دریای سرخ؛ یعنی از زمین تهامه به عربستان سنگی (پتره) و از آنجا به بندر ایله در خلیج عقبه یا به بندر غزه در مدیترانه منتقل می‌کردند (فیاض، ۱۳۷۸: ۱۱). از مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازارها و تجارت داخلی و خارجی عصر جاهلیت نیز از ساماندهی نسبتاً مناسبی برخوردار بوده‌اند که ظلم و تعدی یهودیان، ثروتمندان و همچنین، گرفتن مالیات‌های سنگین از بازاریان و تاجران، از جمله مشکلات آن محسوب می‌شد که نشان‌دهنده عدم رهبری کاریزماتیک، مردمی و با دستوراتی قطعی و معین بود.

بررسی سیاست‌های اقتصادی رسول خدا(ص) در تأسیس بازار مدینه

سیاست اقتصادی، مجموعه طرح‌ها و برنامه‌هایی است که بر اساس آن، نوع روابط اقتصادی میان افراد جامعه شکل می‌گیرد. سیاستی را که رسول خدا در بعد اقتصادی در پیش گرفت، برنامه‌هایی بود که روابط اقتصادی حاکم بر جامعه را اصلاح کند و این روابط، رابطه استثمارگر و استثمارشونده، رابطه دارا و فقیر و رابطه مستکبر و مستضعف نباشد. در دین مبین اسلام، مالکیت خصوصی افراد بر اموال، به رسمیت شناخته شده؛ اما امری اعتباری دانسته شده است. رسول خدا برای اصلاح بعد اقتصادی جامعه و پدید آوردن روابط سالم اقتصادی در جامعه، می‌بایست اموری را در جامعه، حذف و اموری دیگر را ایجاد می‌کرد.

مناسبت‌های اقتصادی در هر جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت زندگی مردم دارد؛ یعنی جامعه‌ای که مناسبات و روابط اقتصادی آن بر اساس برنامه‌های عادلانه‌ای شکل گیرد و روحیه تکاثر در آن جامعه فرارگیر نشده باشد و در نتیجه، طبقه‌ای فقیر و محروم از همه چیز و طبقه‌ای دیگر، برخوردار از تمامی امکانات زندگی مادی نباشند، با جامعه‌ای که بر اساس برنامه‌های غیرعادلانه، دو طبقه دارا و فقیر دارد، کاملاً متفاوت است.

«رسول خدا می‌خواست جامعه‌ای را که امت اسلام در آن زندگی می‌کنند، جامعه‌ای سالم گرداند و این امر، در گرو اصلاح اساسی در بعد اقتصادی بود. از این رو، سعی کرد زمینه‌های تکاثر و زیاده‌طلبی را در جامعه مدینه از بین ببرد. رسول خدا از جزئی‌ترین مسائل اجتماع تا کلی‌ترین آنها را مدنظر داشت. در نظر بعضی، بازار مسأله مهمی نیست؛ اما رسول خدا توجه شایانی به بازار داشت؛ خود در بازار می‌گشت و نسبت به قیمت‌ها، چگونگی معاملات مردم و خرید و فروش آنها نظارت داشت» (میرسلیم، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۴۷). بنابراین، یکی از مهمترین اقدامات رسول در مدینه تأسیس بازار مناسب بود.

باید گفت حضور رسول خدا و مسلمانان در مدینه باعث ایجاد تحولات بنیادی و اساسی شد که در زمینه‌های اقتصادی، تجارت داخلی و خارجی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نمود. ایشان پس از هجرت به مدینه، بازاری برای مردم و مسلمانان تأسیس کرد؛ زیرا هنگامی که بازارهای آن، از جمله بازار بنی‌قینقاع را بررسی کرد، مشاهده نمود که یهودیان در معاملات خود نسبت به مردم ستم نموده، به نوعی دست به چپاول می‌زنند و ایشان در نظر داشتند با تأسیس بازاری، نسبت به سیطره یهود بر نواحی تجاری یثرب محدودیت ایجاد کنند (حمود الجبوری، ۲۰۱۱: ۳۱۳).

در تاریخ عرب قبل از اسلام آمده است: «در میان

ساکنان مدینه، یهودیان توان اقتصادی بیشتری داشته و به دلیل داشتن چنین توانی دست به احتکار اجناس و رباخواری می زدند» (جوادعلی، بی تا: ۴ / ۱۴۰) بنابراین، پیامبر تصمیم گرفتند بازاری برای مسلمانان ایجاد کنند که محور آن عدالت، پیشرفت و گسترش اقتصاد اسلامی و نشر اسلام باشد، لذا به فکر انتخاب محلی برای تأسیس بازار افتادند.

پیامبر (ص) برای انتخاب محلی برای ایجاد و تأسیس بازار در مدینه از مکان های مختلفی بازدید کرد. چنانکه عمر بن شبه از عطاء بن یسار روایت کرده: چون رسول خدا خواست برای مسلمانان بازاری قرار دهد، به بازار بنی قینقاع رفت، آنگاه به بازار مدینه آمد و آن را با پا زده و فرمود: این بازار شماسست و از آن خراجی گرفته نمی شود. بازار در محله بنی قینقاع بود تا اینکه از آنجا منتقل شد (سمهودی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۴۷-۷۴۸؛ عسکری، ۱۴۰۸: ۱۹۰). با توجه به این گزارش به نظر می رسد رسول خدا در انتخاب محل بازار و توجه آن به قبیله بنی قینقاع یک هدف مهم را دنبال می کرد. وی می خواست با جلب نظر این قبیله مهم یهود از بازار و از تجربیات اقتصادی و تجاری آنان برای رفاه مادی نومسلمانان و افزایش توانایی مهاجران و انصار در زمینه تجارت سود برد.

پس از انتقال بازار از بین یهودیان، تلاش پیامبر برای احداث بازار بی وقفه ادامه داشت. ایشان به همین منظور نزد قبیله بنی ساعده رفت و فرمود: من برای حاجتی نزد شما آمده ام. مکانی که برای دفن مردگان دارید، به من بدهید تا آن را بازار قرار دهم. بعضی آن را در اختیار پیامبر قرار دادند و برخی نخست امتناع کرده، گفتند: آنجا گورستان ما و محل آمدوشد زنان ماست؛ اما مورد نکوهش خویشان خود قرار گرفته و سرانجام رضایت خود را اعلام کردند و زمین را به پیامبر بخشیدند و آن حضرت آنجا را بازار قرار دادند

(سمهودی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۴۸). می توان گفت تجربه زیاد و همچنین، انجام اعمال غیردینی یهودیان در تجارت و همچنین، وجود بازار یهودیان در نزدیکی مسلمانان، باعث رکود اقتصادی مسلمین می شد و «از آنجا که دستمایه های فروشندگان مسلمانان در قیاس با بازارهای یهودیان اندک و ناچیز بود، رسول خدا به منظور زمینه سازی برای رشد بازار مسلمانان و حمایت از دکانداران بازار مسلمانان را از آنان جدا کرد» (ابن قتیبه، ۱۹۶۰: ۵۷۵-۵۷۷).

پیامبر بعدها نیز مکان بازار را در منطقه بقیع غرقه^۴ در شرق مسجدالنبی تعیین نمود؛ ولی با مخالفت یهودیان روبه رو شد. پس آن را به مکان بازار مدینه در نزدیکی مسجد منتقل نمود (سمهودی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۴۷) که دلیل آن را می توان حس انحصارطلبی یهودیان بیان نمود؛ اما رسول خدا بدون هیچ گونه ناامیدی، محل بازار را انتخاب کرد. ایشان همچنین، برای انتخاب مکان بازار، به بازار نبطی ها نیز رفته اند؛ چنانچه برخی مورخان آورده اند: «رسول خدا به بازار نبط رفت و بدان نظر کرده، سپس فرمود: این برای شما بازار نیست. سپس به بازاری دیگر رفت و در آن نظر انداخت و فرمود: این برای شما بازار نیست؛ آنگاه به این بازار (بازار مدینه) بازگشته و در آن گردش کرد و سپس فرمود: این بازار شماسست و از آن کم نمی شود و برای شما خراج بسته نمی شود» (ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۲ / ۷۵۱؛ ابن شبه، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۰۶؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۴).

از اهداف اصلی توجه رسول خدا به تأسیس بازار در دوران اولیه حضورشان در مدینه، به دست آوردن استقلال و قدرت اقتصادی و نیازمند نبودن به قبایل کافر، مشرکان مکه و یهودیان مدینه بود که قدرت تجاری و اقتصادی را در اختیار داشتند و دیگر این که این حس استقلال اقتصادی را در شریان مردم مدینه تزریق نمایند. همچنین، به نظر می رسد، تأکید رسول

خدا در انتخاب مکان خاص برای احداث بازار به خاطر اهدافی بود. به دلیل آنکه بازار محل مناسبی برای تبلیغ دین اسلام بود و حضرت نیز تمایل داشتند با نشان دادن قوانین تجارت اسلامی، حذف مالیات و تمرکزگرایی، توجه گروه‌ها و قبایل مختلف را به قوانین ناب اسلام جلب نماید.

بررسی کارکرد اقتصادی بازارهای مدینه

در این قسمت با نگاهی دقیق‌تر، به بررسی کارکردهای اقتصادی بازارهای مدینه و بازارهای اطراف آن، همچون: بازار بدر، نبیط و دومه الجندل پرداخته شده است.

بازار مدینه و تجارت آن در صدر اسلام

همزمان با ورود پیامبر به مدینه، بیشتر بازارها به صورت دایره‌ای بود و در اطراف آن نیز نخل‌ها و درختان زیادی وجود داشت (بغدادی، ۱۴۱۱: ۳/ ۱۲۴۷). ایشان بعد از انتخاب محل بازار شروع به طراحی آن کردند و در بازار بزرگ مدینه بازارهای مختلفی شکل دادند. «بازار جدید مدینه پس از تاسیس، به صورت میدانی وسیع و فاقد سایبان بود؛ به گونه‌ای که سوار در آن پیاده می‌شد و مرکب خود را در جایی قرار می‌داد و در عین حال که در بازار می‌گشت، مرکب خود را می‌دید و چیزی از دید او پنهان نمی‌ماند و طول این بازار نیز بیشتر از عرض آن بود» (سمهودی، ۱۴۰۴: ۲/ ۷۴۸) و در منطقه معروفی که امروز «مناخه»^۵ نامیده می‌شود، قرار داشت (حسن شراب، ۱۴۱۱: ۱۴۴). در این بازار انواع کالاهای از قبیل: خرما (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۶۸؛ نجفی، ۱۳۶۴: ۳۹۷)، روغن، کشک، گندم (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/ ۳۹۶)، زیتون، (کتّانی، بی تا: ۲/ ۲۶)، مواد دباغی مانند گیاهان دباغی (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۹) پوست‌های

دباغی شده و انواع لباس و اثاثیه منزل و دیگر غذاها دادوستد و خرید و فروش می‌شد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۶۸).

در بازار مدینه قسمتی مخصوص بزازان وجود داشت؛ چنانکه سوید بن قیس از سماک بن حرب نقل می‌کند که: «با پیامبر به بازار رفتیم، نزد بزازان سراویدی^۶ به چهار درهم خرید و بزازان ترازو داری داشتند و حضرت فرمود: وزن کن و چرب‌تر وزن کن» (کتّانی، بی تا: ۲/ ۲۶). پیامبر خودش نیز بزاری را دوست داشتند و به آن سفارش می‌کردند و حتی برخی از صحابه همچون ابوبکر، عثمان و طلحه نیز شغل بزاری داشته، پارچه و قماش خرید و فروش می‌کردند (ابن رسته، ۱۳۸۰: ۲۶۰؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۷۸-۱۷۹؛ BOSWERTH, 1993: 2/ 109). در مدینه بازاری مخصوص بزازان بود که در آن منسوجات و پارچه‌های حریر و رنگارنگ تهیه و دادوستد می‌شد و همچنین، بازار عطاری وجود داشت که محل خرید و فروش انواع مشک و عنبر بود (حسنی ندوی، ۱۴۲۵: ۲۶۹) و نیز معاملات مربوط به چهارپایان در حاشیه این بازار صورت می‌گرفت (ابن قتیبه، ۱۹۶۰: ۵۷۵؛ ادریس، بی تا: ۲۰۹-۲۱۳).

از جمله کالاهای دیگری که در زمان پیامبر در بازار مدینه به فروش می‌رسید، مواد خوراکی، شکر، گیاهان دارویی، نیزه، زعفران، عود، شیر، گوشت و ذرت بوده، و آمده است که پیامبر و امام علی^(ع) نیز برای خرید این اجناس به بازار رفته (راوندی، ۱۴۰۹: ۱/ ۸۱) و از آن کالاها استفاده شخصی می‌کرده‌اند. بازار مدینه علاوه بر خرید و فروش و تجارت، محل اجرای احکام سیاسی نیز بوده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۱۷) (به طور موردی می‌توان به حوادث و اتفاقات بعد از جنگ بنی قریظه اشاره کرد)؛ حتی می‌توان گفت در این بازارها افراد و گروه‌های مختلف به بحث و گفتگوهای

علمی، دینی و سیاسی می پرداخته‌اند و این را باید یکی دیگر از اهداف رسول خدا دانست که این افراد با مباحثه بر سر مسائل مختلف به خودآگاهی و رشد دانش دینی و سیاسی دست پیدا می کردند.

بررسی بازار یهودیان بنی قینقاع و نقش آنان در تجارت مدینه

یهودیان بنی قینقاع قبیله‌ای در مدینه بودند که به تجارت و زرگری می پرداختند (ابن هشام، بی تا: ۴۷). آنان به علت نداشتن زمین‌های کشاورزی بیشتر به مشاغل و کارهای غیرزراعی (تجارت، زرگری و اسلحه‌سازی) روی می آوردند (الریس، ۱۳۷۳: ۹۰). بازارشان بزرگ و از بازارهای دائمی بود که در زمان جاهلیت وجود داشت و بعد از ورود اسلام به مدینه همچنان به گردش اقتصادی خود ادامه می داد. این بازار هر ساله بارها در جنوب مدینه یا منطقه عالیّه آن برپا می شد و اوس و خزرج و دیگر گروه‌های مدینه در آن شرکت می کردند (عجاج کرمی، ۱۴۲۷: ۷۹). یهودیان به علت داشتن توانایی در به کارگیری روش‌های مختلف تجاری (عدم پایبندی به قانون تجارت، رباخواری و ...)، وجود شرایط سیاسی حاکم بر آن دوران (دوره جاهلیت) و همچنین، وجود قانون ماه‌های حرام (که در این ماه‌ها جنگ و راهزنی ممنوع و امنیت در راه‌ها برقرار بود) در تجارت خارجی نیز حضور داشتند. بنا بر شواهد موجود در منابع تاریخی، روابط تجاری بازرگانان یثرب با جوامع خارج از جزیره العرب عمدتاً در معامله با کاروان‌های تجاری یمن و شام خلاصه می شد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۶۸). کالاهای وارداتی از شام؛ روغن، گندم، جو و پارچه بود، از یمن عطر وارد می شد و تاجران نبطی گندم و زیتون وارد می کردند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۴/ ۴۴ و ۴۵). تجار یهود نیز کالاهای خود را در کاروان‌هایی به

شام حرکت داده، با وارد کردن محصولات ضروری، از جمله: جو، آرد جو و پارچه‌های گوناگون، نقش خود را به عنوان اهرم اقتصادی در این مبادلات دو طرفه حفظ می کردند (دیاربکری، بی تا: ۱۲/ ۲؛ غضبان، ۱۹۹۳: ۱۱۴ و ۱۱۵؛ جواد علی، بی تا: ۷/ ۲۹۳ و ۵۸). این قبیله به علت در اختیار داشتن ثروت کلان، از جمله: طلا و جواهرات و همچنین، صاحب حرفه بودنشان، بیشتر زینت‌آلات و وسایل فلزی دادوستد می کردند (ابن شبه، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۰۵) و بازار زرگرها را نیز در اختیار داشتند که بیشتر کارگران آن یهودی بودند (معروف حسنی، ۱۴۱۲: ۱۶) که مورد اخیر به نژادپرستی یهود و برتر نشان دادن خود بر دیگران اشاره دارد. به علاوه، آنان در صنعت و ساختن تجهیزات جنگی (شمشیر، نیزه و تیر) نیز تبحر داشتند (جواد علی، بی تا: ۴/ ۱۴۱) بنابراین، یهودیان با توجه به وقوع جنگ‌های مداوم در دوره جاهلیت و همچنین، دوره پیامبر درآمد قابل ملاحظه‌ای از ساخت تجهیزات جنگی و فروش آن داشته‌اند؛ حتی می توان گفت که یهودیان برای فروش ابزارآلات جنگی و کسب سود بیشتر، خود به جنگ افروزی و ایجاد اختلاف بین گروه‌ها می پرداختند.

بازار نبط

نبیط قومی از عجم و فارس (صحاری، ۱۴۲۷: ۱/ ۳۲۱) که در میان دو عراق (بصره و کوفه) یا عراق عجم و عراق عرب می زیستند (الوشاء، ۱۴۰۷: ۱۹۹). سوق النبط بازاری فصلی و موقتی بوده است که از دوره جاهلی در یثرب وجود داشته و سالی یک بار برپا می شده است و علت نامگذاری آنان به نبط این بود که آنان مواد قابل استخراج را از دل زمین در می آوردند. این قوم با یثرب دادوستد می کردند و به همین دلیل این بازار به آنان نسبت داده شده و تا صدر اسلام وجود

داشته است (حسن شراب، ۱۴۱۱: ۱۴۵). شخص پیامبر نیز شترانی به نام ریا و شقرا داشت که در بازار نبط از بنی عامر خریده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۸۴)

نقش و بررسی بازار بدر

بدر^۷ محلی کوچک، در بیست و پنج فرسخی شرق مدینه و هشت فرسخی ساحل دریا قرار داشت و محل عبور کاروان‌های مکی و شامی بود (میر شریفی، ۱۳۸۵: ۸۲) و به دلیل آب فراوان در آنجا زراعت، کشاورزی و نخلستان‌های پررونقی داشت (مقدسی، ۱۴۱۱: ۸۳؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۲۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۶۸). به نظر می‌رسد با توجه به داشتن چنین موقعیت مهمی، ساکنان و قبایل اطراف بدر می‌توانستند از راه‌های مختلفی، از جمله فروش آب به کاروان‌ها، دریافت عوارض و مالیات عبور و مرور، فروش مستقیم کالاها و محصولات خود به آنها بدون حضور دلال ثروت زیادی کسب کنند. بنابراین با وجود چاه‌های آب فراوان در منطقه بدر، شرایط برای شکل‌گیری پایه‌گذاری و رونق بازار فراهم بوده است. به همین خاطر، بازار بدر از بازارهای تجاری و مهم مدینه شد (واقعی، ۱۹۹۵: ۱/ ۳۸۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۳/ ۲۱۵) و همه ساله به مدت هشت روز از سال (=صبح اول ذی‌القعدة برپا و تا هشتم همان ماه ادامه داشت) (طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۵۶۱) اعراب برای داد و ستد در آن اجتماع می‌کردند (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴/ ۳۳۷) که در اختیار قبیله بنی‌کنانه بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۸۸). بدر را باید در دسته بازارهای صحرائی، فصلی و موقتی قرار داد؛ زیرا بعد از اتمام تاریخ و زمان معین، بازار تعطیل می‌شد و مردم متفرق شده، به موطن خود بازمی‌گشتند. شایان ذکر است که این بازار به بازار سالانه «بدر زرد» نیز معروف بود (فارسی، ۱۳۶۲: ۳۷۹).

مهمترین واقعه و اتفاقی که در مکان بدر روی داد، جنگ معروف بدر اولی بود که در سال دوم هجرت میان پیامبر و مشرکان قریش روی داد و با پیروزی مسلمانان پایان یافت؛ اما بعد از پایان جنگ احد (سال سوم) ابوسفیان به مسلمانان و پیامبر گفت که دیدار دیگرشان سال بعد در مکان بدر که به «بدر موعود» یا «بدر صغری» معروف شده بود، باشد؛ اما مشرکان به علت ترس و وحشت زیاد از آمدن به این مکان خودداری کردند؛ ولی پیامبر با یارانشان به بدر آمدند و مسلمانان نیز هشت روز در این بازار به تجارت و خرید و فروش پرداخته، با سود و منفعت بسیار بدون درگیری به مدینه بازگشتند (واقعی، ۱۹۹۵: ۱/ ۳۲۷). این ماجرا (بدر صغری) چنان مهم بود که در قرآن نیز به آن اشاره شد (سوره آل عمران، آیه ۱۷۴).

بازار دومه الجندل

دومه الجندل در حدود هشتاد فرسخی شمال مدینه و دوازده منزلی این شهر قرار داشت (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۱۹) و از بازارهای دوره جاهلیت بود که در صدر اسلام هم دایر بود (آلوسی، بی تا: ۱/ ۲۶۸). ابوجعفر محمد بن حبيب بغدادی در کتاب مجیر می‌گوید: این بازار از ماه ربیع الاول تا نیمه آن برپا می‌گشت و طریقه خرید و فروش در این بازار با انداختن سنگریزه‌ای به روی کالا بود و چون قبیله‌ای و یا دسته‌ای بر گرد متاعی جمع می‌شدند و هرکس که آن را می‌پسندید و سنگی بر آن کالا پرتاب می‌نمود، معامله او قابل قبول بود و جنس مورد نظر به او تعلق می‌گرفت (مزروعی اصفهانی، ۱۴۱۷: ۳۸۲؛ بیرونی، ۱۳۸۶: ۱/ ۵۲۱) و این بازار بین قبیله بنی‌کلاب و غسانه قرار داشت (یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۱۶) و هر یک از این دو طایفه که غالب می‌شد، امر تجارت این بازار را به‌دست

می گرفت (یعقوبی، بی تا: ۱/ ۲۷۰). این دو قبیله بازرگانانی بودند که به سوداگران روستایی که برای خرید و فروش بدانجا می آمدند، ستم و تعدی روا می داشتند و زمانی که این گزارش به پیامبر رسید، ایشان تصمیم به حمله به دومه الجندل گرفت که با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت (فارسی، ۱۳۶۲: ۳۹۱). با این گزارش می توان از قدرت، توانایی و آگاهی و شَم بالای اقتصادی رسول خدا و احاطه ایشان بر اوضاع تجاری قبایل و شرایط خرید و فروش و اوضاع معیشتی مردم اشاره کرد.

گذری بر سایر بازارهای مدینه

از دیگر بازارهای مدینه بازار مهرقه بود که عثمان در دوره خلافت خود آن را که وقف مسلمانان بود، به حارث بن حکم واگذار کرد (مقدسی، بی تا: ۵/ ۲۰۰). برخی از بازارها در محل کشاورزی و تولید محصولات تجاری رونق داشته یا به نوعی بازاری از نوع تولید به مصرف بوده است؛ برای نمونه، در «خَطَّیان»^۸ که بازارگاهی متعلق به قبیله بنی ثُمیر بود، کشتزار گندم و جو داشت (حموی، ۱۹۹۵: ۲/ ۲۷۴). بازار دیگر در قباء بود که از جمله اتفاقات سیاسی آن به غیر از دادوستد، محل قتل کعب بن اشرف یهودی بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱/ ۵۶۹). برخی از بازارهای مدینه بیشتر در بین افراد آن قبیله و در مکان مشخص و با حصاربندی خاصی دایر می شد که می توان به بازار خیبر اشاره کرد که در صدر اسلام در اختیار یهودیان بنی قریظه بود. این بازار محصور در دیوارها و قلعه های محکم و بزرگ و درختان نخل بود و مردمان آن نیز در خرید و فروش توانایی بسیاری داشتند (حمیری، ۱۹۸۴: ۲۲۸). خیبر به جهت داشتن شرایط و موقعیت مناسب جغرافیایی و زیست - محیطی از مکان های مناسب برای رشد

محصولات کشاورزی، همچون: میوه جات، حبوبات و گندم بوده و بالطبع دارای بازار بسیار پرونقی بود و یکی از مناطق کشاورزی خیبر زمین حاصلخیز فدک بود که حوادث آن در تاریخ سیاسی صدر اسلام و بعد از وفات رسول اکرم یاد شد. در بازار «احجارالزیت» کالاهایی چون: آرد و گندم خرید و فروش می شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/ ۴۳۳). بازار های دیگر مدینه عبارتند از: بازار چوب تراشان، گندم فروشان، (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴/ ۱۸۸) دارنخله (حموی، ۱۹۹۵: ۲/ ۴۳۲)، صفارین و مسگران، خبازان و نانوائان (ابن شبه، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۴۶)، خزفروشان (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷/ ۱۳۸)، آهنگران، کفشدوزان و کفش فروشان (ترمذی، بی تا: ۶۵)، زیت فروشان (مجلسی، ۱۳۸۴: ۴/ ۱۴۹۲) و سوق المناخه و سوق الساحة. در این دو بازار اخیر، حبوبات، غلات، گوشت، سبزیجات و میوه جات و اشیاء قیمتی خرید و فروش می شد و به همین دلیل آن را بازار حراج یا سوق الحراج نیز نامیده اند (قره چانلو، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

یکی دیگر از بازارهای مدینه که در دوره جاهلیت و اوایل اسلام در مدینه رونق داشت، بازار عَصَبه یا مُعَصَب بود و این بازار منزلگاه قبیله بنی جحجبا^۹ بوده که در منطقه قبا در عصبه^{۱۰} ساکن بودند (نخستین مهاجران به مدینه در اینجا مستقر شده بودند)؛ ولی گزارشی از نوع کالاهای این بازار در منابع یاد نشده است (بکری، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۲۴۴).

سیاست های کلان تجاری رسول خدا در مدینه

مشخص ترین جنبه اقتصادی سستی بدویان بر پایه دامداری و شبنی بود؛ اما یکی از منابع درآمد قبیله رزیه یا نبردهای مسلحانه برای غارت بود (منتظرالقائم، ۱۳۸۴: ۲۸) بدویان برای تامین نیازمندی های خود،

همچون: حبوبات، پارچه، اشیای قیمتی، سلاح، لبنیات، پوست و پشم ناگزیر به تشکیل بازارهای کوتاه مدت در سرزمین‌های خود بودند (منتظرالقائم، ۱۳۸۴: ۵۰). بنابراین، اصلاح ساختار اقتصاد سنتی بدویان و برقراری رونق اقتصادی، به ایجاد روحیه تلاش و کوشش نیاز داشت. به همین سبب، رسول خدا بر اساس تعالیم قرآن که فرموده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ» (سوره نجم، آیات ۳۹-۴۰) یارانش را به تلاش و کوشش در راه حیات اخروی و دنیوی سفارش می‌کرد و آنان را از بیکاری و تن‌پروری باز می‌داشت. رسول خدا با پیمان عقد برادری و پیمان نامه عمومی سال اول هجری و تعالیم قرآن کریم که می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (سوره مائده، آیه ۲) در میان مسلمانان روح همکاری و مشارکت گسترده‌ای ایجاد کرد. این روحیه تعاون به همراه قراردادهای مضاربه، مزارعه و مساقات که در میان مهاجران بدون سرمایه و زمین با انصار صاحب سرمایه و زمین بسته شد، موجبات افزایش اشتغال، بازدهی کشاورزی و توسعه اقتصادی را فراهم کرد. بنیاد بازار از سوی رسول خدا و وقف آن بر مسلمانان (ابن شبه، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۰۴) و راه‌اندازی کاروان‌های تجارتي، همچون: کاروان زی‌دبن حارثه (واقدی، ۱۹۹۵: ۲ / ۵۶۴) راه‌های نوین توسعه و تجارت و کسب و کار برای مسلمانان فراهم شد. رسول الله بر اساس رهنمون قرآن کریم که قرض الحسنه را در ۱۲ آیه توصیف کرده و آن را یک کوشش معنوی و موجب بخشش گناهان و افزایش چندین برابر سرمایه دانسته است (سوره بقره، آیه ۲۴۵)، مسلمانان را به پرداخت قرض الحسنه به کسانی که امکانات مالی نداشتند و توانایی کار و تجارت داشتند، تشویق می‌کرد تا محرومان از تنگدستی و محرومیت خارج شود و سرمایه در گردش رونق اقتصادی قرار گیرد.

در مدینه دستجات بسیاری از مردم شهر و بادیه بودند که خرما و روغن و پنیر می‌فروختند. در این بازارها عسل و حبوبات، گندم، جو، باقلا، نخود، ذرت، باقلای مصری، عدس و برنج خرید و فروش می‌شد، که بیشتر حبوبات از مصر، شام و هند وارد می‌شد. اعراب بادیه نیز با آوردن روغن و پنیر به مدینه؛ حبوبات، پارچه و مس می‌خریدند. شتر، گوسفند و اسب‌های خوب از نجد و پارچه‌های حریر و پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی از مصر به مدینه آورده می‌شد (قره چانلو، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

قبایل مجاور مدینه با وجود امنیت راه‌ها در شکوفایی و رواج بازار مدینه سهم بزرگی داشتند و در طول سال کالاها و مواد خود را به آنجا می‌آوردند؛ برای مثال، هنگامی که رسول خدا در روز جمعه خطبه می‌خواند، گروهی از مردم در بازاری به نام بطحاء مشغول دادوستد بودند و دیگر اینکه بنی سلیم، اسب، شتر، گوسفند و روغن را برای فروش بدانجا می‌آوردند که به آن بازار اسب می‌گفتند (سمهودی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۵۴؛ عربی، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۰۱).

رسول خدا با ایجاد برنامه و تنظیمات مشخص سیاسی، توجه به امنیت راه‌ها و بازارها، برداشتن مالیات از بازار، تقسیم عادلانه مکان‌های تجاری و اهمیت به تجارت خارجی، باعث رشد دادوستد بین قبایل مختلف مدینه شدند؛ برای نمونه، پیامبر با نجد رابطه تجاری داشته است؛ چنانکه ایشان سعد بن زید انصاری را با گروهی از اسیران بنی قریظه به سوی این سرزمین فرستاد تا در مقابل اسیران یهودی، اسب و سلاح بخرد (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۵۹۲؛ ابوزهره، ۱۴۲۵: ۲ / ۷۲۵). همچنین نخستین اسبی که پیامبر داشت، از یکی از مردم بنی فزاره به ده اوقیه^{۱۱} نقره خریدند و ایشان نیز با طایفه بنی مره هم معامله داشت و اسبی از آنان خرید (طبری، ۱۳۸۷: ۳ / ۱۷۳). پیامبر با مردم صنعا نیز رابطه تجاری داشتند و از آنان گچ می‌خریدند (خرگوشی،

۱۴۲۴: ۲/ ۳۲۳). گروهی از نبطیان شام نیز برای فروش خواروبار به مدینه می آمدند و باعث توسعه اقتصادی مدینه می شدند (آیتی، ۱۳۸۷: ۶۴۳). چادر نشینان شام نیز با خود غذا، لباس و فرش هایی برای فروش به مدینه می آوردند (قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۹۰). در منابع از قول سیمونه یا سیمای بلقائی نام برده شد که برای تجارت به مدینه آمده بود. خودش می گوید: از بلقائ شام به مدینه گندم آوردیم و فروختیم؛ خواستیم میوه بخریم، مانع شدند: نزد پیامبر رفتیم؛ حضرت خطاب به آنان فرمود: بگذارید ببرند. در مدینه میوه فراوان و متنوع بوده است (کَنّانی، بی تا: ۲/ ۳۸). با توجه به این گزارش ها، مشخص می شود که در دوران رهبری رسول خدا در مدینه و نیز توجه و برنامه ریزی دقیق ایشان به تجارت داخلی و خارجی بر پایه موازین دینی و عدالت پروری، قبایل، تاجران و بازرگانان خارجی را برای دادوستد با خود ترغیب نموده، گروه های تجاری زیادی با مدینه مبادلات کالا داشته، موجب توسعه و ترقی سریع اقتصاد شهر در این دوره شدند.

رسول خدا با نشان دادن وجهه عالیه اسلام در زمینه های مختلف باعث شد که قبایل مختلف، علاوه بر فعالیت های تجاری قسمتی از اموال و دارایی های خود را به رسول خدا و مساجد اهدا کنند؛ چنانکه سعید بن زیاد بن فائد روایت کرده است که شخصی به نام ابوالبراد به همراه غلام خود، تمیم از منطقه شام؛ روغن، قندیل و مقطا به مدینه آوردند که تمیم نیز مقداری از آنها را به مسجد برده، آنجا را روشن کرد که با خشنودی پیامبر همراه شد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۸).

سیاست های کلان اقتصادی- دینی- نظارتی رسول خدا در بازار

پیامبر اهمیت زیادی به بازار، تجارت و خرید و فروش می داد و آن را توصیه می فرمود و حتی در جنگ ها نیز

به آن مبادرت می کرد؛ مثلاً در جنگ تبوک که زید بن ثابت همراه پیامبر بود، اقدام به تجارت می کرد و پیامبر آنان را از این کار نهی نمی کرد (واقعی، ۱۹۹۵: ۳/ ۱۰۳۳ و ۱۰۳۴). رسول در سخنانی تجارت را مقدس دانسته است؛ چنانکه در منابع آمده است، پیامبر فرمود: «الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله». (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۲؛ پاینده، ۱۳۸۵: ۴۱) حضرت همچنین در جهت صلح و آرامش بازار تلاش می کردند؛ به طوری که خودشان هنگامی که به بازار می رفتند، هرگز با صدای بلند صحبت نمی کردند (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱/ ۳۱۰). بنابراین، اهداف اصلی رسول خدا از اقدامات اقتصادی و فرهنگی فوق در بازار این بود که منزلت و مقام اسلام و اهمیتی را که دین اسلام به مردم و رفاه آنان می داد، به قبایل و گروه های مختلفی که برای تجارت به بازار می آمدند، نشان دهند؛ زیرا بازار یکی از مکان های مهم و راهبردی و محل تجمع افراد و گروه ها در مدینه بوده است. باید اضافه کرد که پیامبر نظارت دقیقی بر بازار داشت و شخصاً نیز با تعدادی از یارانش به بررسی اوضاع بازار، مراقبت از امور و مسائل جاری آن می پرداختند و همان طور که در گذشته میان اعراب نظارت بر بازارها از ابتدا و پیش از آشنایی آنان با میراث روم شرقی معمول بوده است، پیامبر اکرم پس از فتح مکه، سعد بن سعید بن العاص را بر بازار مکه و عمر را به نظارت بر بازار مدینه گماشت (میرسلیم، ۱۳۷۲: ۳/ ۳۴۷).

پیامبر از تجارت گندم خوشش نمی آمد؛ زیرا در آن احتکار می شد و آن را برای مسلمانان زیانبار می دانست و می فرمود: اگر احتکار در آن نباشد، تجارت با آن حرام نیست. در منابع مختلف آمده است، ایشان در بازار مدینه از کنار بار گندمی عبور می کرد، به صاحب آن فرمود: می بینم گندم خوب و مرغوبی داری و از

قیمت آن پرسید. پس خداوند به ایشان وحی نمود که: دست را در داخل کیسه گندم فرو ببر! پیامبر این کار را کرد و گندم نامرغوبی بیرون آورد، پس به صاحب آن فرمود: می‌بینم با مسلمانان غل و غش می‌کنی و هر کس با مسلمانان غش کند، از ما نیست (ابن ماجه، ۱۳۹۵: ۷۴۹/۲؛ سهودی، ۱۴۰۴: ۷۵۶/۲).

در یکی از نظارت‌ها، پیامبر با فردی که حيله و نیرنگ به کار می‌برد، روبه‌رو شد و حضرت به طور غیرمستقیم به او فهماند که کارش اشتباه است. از ابوهریره نقل شد که همراه با رسول خدا به بازار رفتیم، در دکان یکی از بزازان جلوس فرمودند و زیرجامه‌ای از او به مبلغ چهار درهم خریدند. در آن روز پیامبر خطاب به او فرمود: آیا خوب از عهده وزانی بر می‌آیی؟ در پاسخ گفت: تا به حال چنین سخنی از کسی نشنیده‌ام. در آخر آن مرد از وزانی دست کشید و توبه کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۳/۱؛ کتانی، بی تا، ۲/۲۶). همان‌گونه که آمد، از جمله مشکلاتی که رسول خدا در بازار مدینه داشتند، این بود که فروشندگان، کالاهای خود را هنگام وزن کم و زیاد می‌کردند و حتی از لحاظ کیل و پیمانه بدترین مردم بودند. بنابراین، تنظیم پیمانه‌ها و وسائل اندازه‌گیری که نشان‌دهنده تمایل شدید اسلام به تضمین اجرای عدالت در انجام معاملات تجاری است، از اقدامات نظارتی رسول خدا بود (حمود الجبوری، ۲۰۱۱: ۳۱۰). از راه‌های ایجاد توازن مالی و سلامت اقتصادی جامعه توسط رسول خدا توصیه به امانتداری و انصاف در معامله و پرهیز از کم فروشی (سوره مطففین: آیه ۱)، خیانت در معامله، احتکار، رشوه، دزدی و اسراف بود؛ زیرا اسراف کنندگان برادر شیطان و اهل آتش هستند (رک: سوره غافر، آیه ۴۳؛ سوره اسراء: آیه ۲۷) و به همین خاطر، هنگامی که آیه «وَلَا تَمْلِكُ لِلْمُطَفِّفِينَ» نازل شد، فروشندگان، خود را اصلاح کردند (نیشابوری، ۱۴۱۱:

۴۷۴) و رسول خدا نیز پیمانه‌ها و ترازوهایی را که در دوره جاهلی به جای مانده بود، پذیرفت و فرمود: «المکاییل مکیال اهل المدینه و الوزن وزن اهل مکة» (نسائی، ۱۴۱۱: ۱۱۲) و این امر، دلالت بر این می‌کند که اسلام تمام معاملات دوران جاهلی را باطل ندانسته و برخی از آنان را به تناسب جامعه جدید، اصلاح کرده است (حمود الجبوری، ۲۰۱۱: ۳۱۱). افزون بر آن، رسول خدا مالیات را از بازار برداشت؛ به‌طوری‌که قبل از آمدن ایشان به مدینه از بازار، مالیات‌های مختلفی چون مکس گرفته می‌شد که این امر موجب از رونق افتادن بازار می‌شد. بنابراین، پیامبر بعد از ورود به این شهر و تاسیس بازار و همچنین، با توجه به اهمیتی که به کسب، تجارت و رونق آن می‌داد، اخذ خراج (باج)^{۱۲} و مالیات را برای مردمی که در آن خرید و فروش می‌کردند، مانع پیشرفت اقتصاد مدینه می‌دید؛ لذا دستور لغو آن را صادر کرد.

از دیگر اقدامات پیامبر در زمینه تجارت و گسترش اقتصاد، جلوگیری از خرید و فروش کالاها و مواد غذایی به صورت دلالی و واسطه‌ای بود. مابرا از این قرار بود که در زمان رسول خدا برخی از مسلمین از قافله‌های تجاری، پیش از رسیدنشان به مقصد، طعام را می‌خریدند. پس آن حضرت کسی را فرستاد تا آنان را از فروختن آنچه خریده‌اند، در محل خرید منع کند و آن را به محل فروش طعام ببرند (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۰/۲؛ نسایی، ۱۴۱۱: ۲۸۷/۷). ایشان حتی خرید و فروش کالاهایی را که موجب فساد و گسترش بی بندوباری و زیر سؤال رفتن شرایع دین اسلام می‌شد، نهی کرد و در این مورد می‌توان به موضوع شراب اشاره نمود که حضرت خرید و فروش آن را ممنوع کرد (عاملی، بی تا: ۵۸). از دیگر فعالیت‌های ایشان در امور اجتماعی اقتصادی، توجه و احترام به زنان و دختران و تأیید حضور و فعالیت‌هایشان در جامعه، بازار و تجارت و

مجاز شمردن آنان در خرید و فروش بود؛ چنانکه در آیه کریمه هم آمده است: «و هر که از زن و مرد از آنچه اکتساب می کنند، بهره مند شوند» (سوره نساء، آیه ۳۲). رسول خدا قیود تحمیلی و غیرانسانی را از آنان برداشت و در سخنرانی روز عرفه در حجه الوداع فرمود: در مورد زنان از خدا بترسید؛ زیرا آنها را به امانت الهی گرفته اید (ابن هشام، بی تا: ۲/ ۶۰۳). برای آنان استقلال مالی در مهریه، کار و کوشش و ارث قرار داده شد تا حقوق آنان پایمال نشود.

نتیجه

پیامبر اکرم با هدف رونق و گسترش تجارت داخلی و خارجی، توسعه و رونق اقتصادی مدینه، افزایش سطح رفاه مردم، ایجاد درآمد و شغل های تجاری مختلف کوشید تا بازارهایی در مدینه تاسیس کند که این امر به گسترش هر چه بیشتر و سریعتر دین اسلام، توسعه شهر و استقلال مالی و عدم وابستگی به قوم یهود منجر شد؛ زیرا قبایل و گروه های تجاری - غیرتجاری که در این برهه زمانی از شام و مناطق دیگر به مدینه می آمدند، با مشاهده سیاست های مثبت، نو و عدالت گرایانه حضرت در مدینه و به طور خاص در بحث ساماندهی و ترقی بازار و اهمیت دادن به امر تجارت بر اساس اصول شرعی به دین اسلام تمایل پیدا کردند. می توان اقدامات و سیاست های کلان اقتصادی- دینی رسول خدا در مدینه را به صورت اجمال این گونه بیان کرد: الف- جلوگیری و ممنوعیت از احتکار کالا و مواد غذایی؛ ب- جلوگیری از افزایش قیمت ها؛ ج- حذف مالیات بر بازارها؛ د- جلوگیری از ظلم و ستم تاجران و بازاریان یهود نسبت به مسلمانان؛ ه- نظم دهی و امنیت بخشیدن به بازارها؛ و- ارتقای سطح و توان اقتصادی - تجاری مسلمانان در برابر مشرکان (مدینه و مکه) با ایجاد راهکارهای مختلف؛ از جمله: تکیه بر موازین و احکام اسلامی؛ ز- نهی کردن

خرید و فروش برخی از اقلام، چون: شراب و همچنین، حرام اعلام نمودن غلّ و غشّ در معامله؛ ح- حذف دلال ها و واسطه های تجاری و ...؛ اما برخی از دستورها و احکام رسول خدا در مورد بازار و تجارت را می توان به موارد زیر اشاره کرد: الف- اهمیت دادن به زندگی معیشتی مردم و دعوت از همه اقشار داخلی و خارجی مدینه برای شرکت در امر تجارت و خرید و فروش حلال، از جمله: تاکید بر حضور زنان در این زمینه؛ ب- تاکید ایشان بر شرکت صحابه و بزرگان مدینه در امر تجارت برای جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی؛ ج- دستور بر تأمین اقلام مورد نیاز مردم و جامعه.

پی نوشت ها:

- ۱- حبابه به معنی گروهی مردم که از قبیله های گوناگون بودند. (نک: حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ۱/ ۴)
- ۲- مرید: محوطه ای را گویند که در پشت خانه ها برای نگهداری شتران و خشک کردن خرما و غیره، تخصیص داده می شد. مرید قبا در ابتدا قبور اعراب در دوره جاهلیت بوده که محل مسجد مدینه شده است. (نک: ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۱۱؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۱۵۲؛ دهخدا، ۱۳۴۵: ۴۴/ ۱۰۱)
- ۳- مکاری: کسی که اسب و شتر و غیره به کرایه می دهد. (نک: دهخدا، ۱۳۴۵: ۴۵/ ۹۶۹)
- ۴- بقیع غرقه: گورستان مردم و مقبره اهل مدینه بود. (نک: بلعمی، ۱۳۷۸: ۳/ ۳۲۴)
- ۵- مناخه: مکانی بود در بازار مدینه صدر اسلام که نام قبلی آن زوراء بوده است. (نک: صالحی الشامی، ۱۴۱۴: ۵/ ۱۱۰)
- ۶- سراویل: (شلوار یا جامه) جمع و معرب است که به معنی واحد مستعمل گردیده و ظاهراً در اصل شلوار بوده که مرکب است از شل به معنی ران و وار که به معنی لایق است. (نک: دهخدا، ۱۳۴۵: ۲۹/ ۴۰۸)
- ۷- بدر: نام چاهی بود که مردی از قبیله جهینه به نام بدر آن را حفر کرد. (نک: مفید، ۱۳۸۰: ۶۲)
- ۸- خطیان، در لغت به معنی منزلت و جایگاه است. (نک:

یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲ / ۲۷۴)

۹- قبیله بنی جحجبا: تیره ای از تبار اوسیان و از قبیله بنی عمرو بن عوف هستند؛ و نسب آنان چنین است: بنی جحجبا فرزندان کلفه بن عوف بن عمرو بن عوف بن مالک بن اوس. (نک: کحاله، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۶۸)

۱۰- عصبه: در مغرب قبا واقع بوده و در آنجا نخل‌ها و بستان‌ها و گل‌های ریحان می‌روئیده است. (نک: احمد العلی، ۱۳۷۵: ۳۸۳)

۱۱- اوقیه: یکی از اوزانی است که رسول خدا برقرار کرده و در حدود چهل درهم بوده است. (نک: قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۷)

۱۲- باج: ترجمه کلمه مکس می‌باشد و در عربی به معنی دراهمی است که آنها را از فروشندگان کالا در بازارهای عصر جاهلیت دریافت می‌کردند. (نک: ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۱ / ۴۶۴)

منابع

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود. (بی تا). بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۸۷ ش). تاریخ پیامبر اسلام، تهران: نشر دانشگاه تهران.

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن. (۱۴۰۹ ق). اسد الغابۀ فی معرفۀ الصحابه، بیروت: نشر دارالفکر.

- ----- (۱۹۶۵ م). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.

- ابن الحسین، اسحاق. (۱۴۰۸ ق). آکام المرجان فی ذکر الملائن المشهوره فی کل مکان، بیروت: عالم الکتب.

- ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی محمد. (۱۳۷۶ ش). رحله، ترجمه محمد علی موحدی، تهران: نشر آگه.

- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین ابوالفضل. (۱۴۱۵ ق). کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۰۸ ق).

دیوان مبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ط الثانية.

- ابن رسته. (۱۳۸۰ ش)، اطلاق النقیسه، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: نشر امیرکبیر.

- ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ ق)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن شبه، ابوزید. (۱۴۱۰ ق). تاریخ المدینۀ المنوره، قم: دارالفکر.

- ابن قتیبه، ابی محمد عبدالله بن مسلم. (۱۹۶۰ م). المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، مطبعه دارالکتب.

- ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۳۹۵ ق). السنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ابن هشام، عبدالملک. (بی تا). السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفه.

- ابو زهره، محمد. (۱۴۲۵ ق). خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم، قاهره: دارالفکر العربی.

- احمد العلی، صالح. (۱۳۷۵ ش). حجاز در تاریخ صدر اسلام، ترجمه عبدالحمید آیتی، بی جا: نشر مشعر.

- ادريس، عبدالله عبدالعزيز. (بی تا). مجتمع المدینه فی عهد الرسول، ریاض: جامعه الملك سعود.

- افغانی، سعید. (۱۴۱۳ ق). سوق العرب فی الجاهلیه و الاسلام، قاهره، دارالکتب اسلامی.

- الریس، ضیاءالدین. (۱۳۷۳ ش). خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان.

- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ ق). صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.

- بغدادی، صفی‌الدین عبدالمومن. (۱۴۱۱ ق). مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، بیروت: دارالجیل.

- بکری، عبدالله بن عبدالعزيز. (۱۴۰۳ ق)، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، بیروت: عالم الکتب.

- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۹۹۵م). معجم البلدان، بیروت: دارصادر.

- حمیری، محمد بن عبدالمنعم. (۱۹۸۴ م). کتاب الروض المطار فی خبر الاقطار، بیروت: مکتبه لبنان، ط الثانية.

- خرگوشی، محمد واعظ. (۱۴۲۴ ق). شرف المصطفی، مکه: دارالبشائر الاسلامیه.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۵ ش). لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- دیاربکری، حسین بن محمد. (بی تا). تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، بیروت: مؤسسه شعبان.

- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۶۸ ش). اخبار الطوال، قم: منشورات الراضی.

- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت: دارالکتب العربی.

- راوندی، قطب. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی.

- ری شهری، محمد. (۱۳۸۶ش). حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)، قم: دارالحديث.

- سمهودی، نورالدین علی بن عبدالله. (۱۴۰۴ ق). وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، بیروت: دار احیاء.

- صالحی الشامی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۴ ق). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- صحاری، أبو المنذر سلمه بن مسلم العوتبی. (۱۴۲۷ق). الأنساب، محقق محمد إحسان نص، عمان: مطبعة الألوان الحديثه.

- طبرسی، ابوعلی. (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ ق). تاریخ الطبری،

- بکری، ابو عبید. (۱۹۹۲م). المسالك و الممالك، بی جا: دار الغرب الاسلامی.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸ م)، فتوح البلدان، بیروت: نشر دار و مکتب الهلال.

- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸ ش)، تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران: نشر سروش، چاپ دوم.

- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ ق)، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، تحقیق عبدالمعلى قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶ش)، آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ پنجم.

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه، تهران: نشر دنیای دانش.

- _____ (۱۳۸۵ ش)، پیام رسول؛ ترجمه ای دیگر از نهج الفصاحه، قم: نشر طلوع.

- ترمذی، ابو عیسی (بی تا)، الشمائل المحمدیه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۱۳۶۸ش). لطائف المعارف، ترجمه علی اکبر شهابی، مشهد: آستان قدس رضوی.

- جواد علی، (بی تا)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین.

- حافظ ابرو، شهاب الدین عبد الله. (۱۳۷۵ ش). جغرافیای حافظ ابرو، تهران: میراث مکتوب.

- حتی، فیلیپ. (۱۹۶۵ م). تاریخ العرب، بیروت.

- حسن شراب، محمد محمد. (۱۴۱۱ ق). المعالم

الاثیره فی السنه و السیره، دمشق: دارالقلم.

- حسنی ندوی، سید علی. (۱۴۲۵ ق). السیره النبویه (للسید الندوی)، دمشق: دار ابن کثیر، چاپ دوازدهم.

- حمود الجبوری، حاکم حمزه. (۲۰۱۱م). «دور السوق فی الفكر الاقتصادي الاسلامی»، مجله الجامعه الاسلامیه، بغداد: العدد ۳/۲۶.

تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- کحاله، عمر رضا. (۱۴۱۴ ق). معجم قبائل العرب القديمه و الحديثه، بيروت: مؤسسه الرساله، ط السابعة.
- مجاهدی، محمدعلی. (بی تا). گنجینه نور مدائح و مراثی خمسه طيبه، بی جا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۴ ش). حیوة القلوب، قم: نشر سرور.

- مرزوقی الإصفهانی، أحمد بن محمد بن الحسن. (۱۴۱۷ ق). کتاب الأزمئه و الأمکنه، تحقیق خلیل المنصور، بيروت: دار الكتب العلمیه.
- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۷۹ ش). تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ط الثانيه.
- مصطفوی، علامه شیخ حسن. (۱۴۱۶ ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکريم، تهران: نشر وزارت ارشاد اسلامي.

- معروف حسنی، هاشم. (۱۴۱۲ ق). سیره المصطفی، ترجمه حمید ترقی خواه، تهران: نشر حکمت.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۸۰ ش). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران: نشر اسلامیه.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۴۱۱ ق). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، قاهره: مکتب مدبولی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی تا). البدء و التاریخ، مکتبه الثقافه الدینیه.

- منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۴ ش). تاریخ اسلام تا سال چهلهم هجری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- میرشریفی، سیدعلی. (۱۳۸۵ ش). پیام آور رحمت، تهران: سمت.
- میرسلیم، مصطفی. (۱۳۷۲ ش). دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ط الثانيه.

- طبیان، محمد. (۱۳۶۳ ش). نگاهی از منظر اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر، تهران: گام نو.
- عاملی، سید جعفر مرتضی. (بی تا). بازار در سایه حکومت اسلامی، ترجمه سید محمد حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- عجاج کرمی، احمد. (۱۴۲۷ ق). الاداره فی العصر الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قاهره: دارالاسلام.
- عربی، حسین علی. (۱۳۸۳ ش). تاریخ تحقیقی اسلام، قم: نشر مؤسسه امام خمینی (ره).
- عسکری، أبو هلال. (۱۴۰۸ ق)، الأوائل، محقق محمد السید الوکیل، طنطا: دار البشیر.
- غضبان، یاسین. (۱۹۹۳ م). یثرب قبل الاسلام، عمان: دارالبشیر.

- فارسی، جلال الدین. (۱۳۶۲ ش). پیامبری و جهاد، تهران: مؤسسه انجام کتاب.

- فیروزآبادی، سید مرتضی. (۱۳۹۲ ق). فضائل الخمسه من الصالح السته، تهران، نشر اسلامیه.
- فیاض، علی اکبر. (۱۳۷۸ ش). تاریخ اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- قدامه بن جعفر. (۱۹۸۱ م). الخراج و صناعه الكتابه، بغداد، دار الرشید للنشر.

- قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۷ ش). قاموس قرآن، تهران: نشر اسلامیه، چاپ پنجم.

- قره چانلو، حسین. (۱۳۶۲ ش). حرمین شریفین (تاریخ مکه و مدینه)، تهران: نشر امیرکبیر.

- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ ق). تفسیرالقمی، قم: نشر جزائری، ط الثالثه.

- کتانی، عبدالحی. (بی تا). نظام الحکومه النبویه، بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم، ط الثانيه.

- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. (۱۳۷۹ ش).

- نجفی، سید محمد باقر. (۱۳۶۴ ش). مدینه شناسی، بی جا: بی نا.
- نسایی، احمد بن علی. (۱۴۱۱ ق). سنن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نیشابوری، واحدی. (۱۴۱۱ ق). /سباب النزول، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- واقفی محمد بن عمر. (۱۹۹۵ م). /المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: موسسه الأعلمی، ط الثانية.
- وشاء، أبو طیب محمد بن أحمد بن إسحاق ابن یحیی. (۱۴۰۷ ق). /الظرف و الطرفاء، تحقیق فهمی سعد، بیروت: عالم الکتب.
- یوسفی غروی، محمد هادی. (۱۴۱۷ ق). موسوعه
- التاریخ الاسلامی، قم: نشر مجمع اندیشه اسلامی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ
- الیعقوبی، بیروت، دارصادر.
- (۱۴۲۲ ق). /البلدان،
- بیروت: دارالکتب العلمیه.
- C.E BOSWERTH(1993), The
- Encyclopaedia OF Islam,LEIDEN
- NEWYORK.
- Floor, Willem, (1987), Bazar,
- Organizatin, and Function , In
- Encyclopaedia OF Iranica, vol 2.
- ..

